

«زن و مطالعات خانواده»

سال یازدهم - شماره چهل و دوم - زمستان ۱۳۹۷

ص ص: ۱۲۵-۱۴۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۴

نقش ناگویی هیجان در سازگاری زناشویی زنان متقاضی طلاق

فائزه مؤید^۱

سیما حاجی علی اکبری مهریزی^۲

دکتر محمدباقی^۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه ی بین طرحواره های ناسازگار اولیه و نارسایی هیجانی با تعارضات زناشویی زنان متقاضی طلاق شهر تهران بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان متقاضی طلاق مراجعه کننده به دادگاه طلاق خانواده منطقه ۳ تهران به تعداد ۱۰۰ نفر در سال ۱۳۹۶ بود که در قالب طرح پژوهش همبستگی تعداد ۸۵ نفر از آنان به عنوان نمونه پژوهش و با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. افراد نمونه مقیاس سازگاری زناشویی لاک-والاس (۱۹۵۹) و مقیاس نارسایی هیجانی تورنتو (۱۹۸۶) را تکمیل نمودند. نتایج حاصل از آزمون های آماری همبستگی و تحلیل رگرسیون نشان داد بین تعارضات زناشویی و نارسایی هیجانی ارتباط معکوس و معناداری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. هر چه نمره نارسایی هیجانی افزایش یابد، نمره تعارضات زناشویی کاهش یا به عبارتی تعارضات زناشویی افزایش خواهد یافت. نتیجه گیری پژوهش نشان داد که نارسایی هیجانی توانست تعارضات زناشویی را مورد پیش بینی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: نارسایی هیجانی؛ ناگویی هیجانی؛ تعارضات زناشویی؛ سازگاری زناشویی

۱. کارشناس ارشد روانشناسی واحد تهران شمال . دانشگاه آزاد اسلامی . تهران ایران .(نویسنده مسئول)

faeze.moayed@icloud.com

hajiali.com@gmail.com

Sahobbi4@gmail.com

۲. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه الزهرا. تهران ایران.

۳. استادیار دانشگاه جامع امام حسین ع. تهران ایران.

مقدمه

ازدواج امری دوجانبه و پیچیده بین دو فرد است که نقشی اساسی بر تأمین نیازهای هیجانی، روانشناختی و جسمی و همچنین شکوفایی توانمندی‌ها و آرامش روانی زوجین دارد (محمودیان، شرفی، خوش بین و احمدی، ۱۳۸۹). داشتن رابطه با همسر می‌تواند منبع آسایش، پشتیبانی و لذت برای افراد باشد، در حالی که این رابطه گاهی اوقات می‌تواند منبع اضطراب، ناامیدی و ناراضی‌ت‌ها باشد (زینالی، ۲۰۱۴). زوجینی که ناراضی‌ت‌ها دارند استرس و رنج زیادی را تحمل می‌کنند، بنابراین ارزیابی عوامل مرتبط با ناراضی‌ت‌ها زناشویی به نظر ضروری می‌رسد زیرا رضایت زناشویی در سلامت روان، سلامت جسم، کارایی، بهره‌وری و همکاری‌های اجتماعی زوجین نقش مهمی دارد (خسروی، قهاری و احدی، ۲۰۱۵). از جمله عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی بازخورد منفی ناشی از تعارضات زناشویی و نادیده گرفتن هیجان‌ها فرد مقابل می‌باشد (صیاد پور، ۲۰۰۵؛ مارکمن و هالفورد^۱، ۲۰۰۵؛ سیفرت و شوارتز^۲، ۲۰۱۰؛ شاهوردی و همکاران، ۲۰۱۵). تعاریف متعددی از تعارضات زناشویی ارائه شده است. تعارض زناشویی به عنوان نوعی ارتباط زناشویی تعریف شده است که در آن رفتارهای خصومت‌آمیز مانند توهین، سرزنش، خشونت وجود داشته و زوجین نسبت به هم احساس کینه و خشم دارند. تعارض هنگامی بروز می‌کند که رفتار یک فرد با انتظارات فرد دیگر نامتناسب باشد (فرح بخش، شفیع آبادی، احمدی و دلاور، ۱۳۸۵؛ پیرساقی، نظری، نعیمی و شفائی، ۱۳۹۴؛ شاهوردی و همکاران، ۲۰۱۵). برخی از درمانگران نیز تعارضات زناشویی را به عنوان جدال بر سر منابع قدرت و حذف امتیازات فرد دیگر در نظر می‌گیرند (احمدی، احمدی و فاتحی زاده، ۲۰۱۶).

از طرف دیگر، بر اساس پژوهش‌ها وجود ارتباط مؤثر و ابراز هیجان‌ها عاملی اساسی در تفاوت بین زوج‌های راضی و ناراضی می‌باشد زیرا نقش مهمی در شکل‌گیری صمیمیت دارد (کاترین^۳، ۲۰۰۵؛ لیتزینگی و کریستینا^۴، ۲۰۰۵). ابراز مشترک عواطف، احساس حمایت در زوجین به وجود می‌آورد و خود افساگری را افزایش می‌دهد (راجر و برادبری^۵، ۱۹۹۹). نتیجه مطالعات حاکی از این است که خود افساگری زوجین با رضایت زناشویی همبستگی مثبت دارد و همچنین مهارت‌های هیجانی و توانایی ابراز هیجان با رضایت زناشویی همبستگی مثبت دارد (ژاویانگ، مارتایر و استنفورد^۶، ۲۰۱۸). توانایی ایجاد و حفظ یک رابطه

1. Markman & Halford
2. Siffert, A., & Schwarz
3. Kathryn
4. Litzinger & Kristina
5. Rogge & Bradbury
6. Zhaoyang, Martire, & Stanford

عاشقانه رضایتبخش به توانایی شناسایی هیجان‌ات و درک و ابراز آنها نیاز دارد(مونتته باروچی، کودیسپوتی، بالدارو و روسی،^۱، ۲۰۰۴).

تجربه هیجان توسط انسان امری پیچیده است. اغلب، کلماتی که برای بیان هیجان‌اتمان به دیگران داریم ناکافی به نظر می‌رسد. می‌توان تصور نمود که این چقدر برای فردی که در تمایز بین وضعیت‌های هیجانی ابتدایی خود هم ناتوان است، مشکل است. طبیعتاً این مشکل به گونه‌ای منفی بر روابط اجتماعی تأثیر گذار خواهد بود. واژه ناگویی هیجانی (Alexithymia) اولین بار توسط سیف‌نوز^۲ (۱۹۷۳) به منظور توصیف ویژگی شخصیتی با ناتوانی در پردازش و تشخیص هیجان‌ات خود، معرفی شد. ناگویی هیجان به معنی بدون کلمات برای هیجان است (تیلور، باگی و پارکر^۳، ۱۹۹۷). ناگویی هیجان به وجود دشواری در شناسایی احساسات و توانایی کم در تمایز هیجان‌ات از احساسات بدنی، دشواری در توصیف هیجان‌ات برای دیگران و سبک فکری متمرکز بر وقایع بیرونی اشاره دارد(پارکر، تیلور و گتبی^۴، ۱۹۹۸؛ باگی، تیلور و پارکر، ۲۰۰۱). به نظر برخی از پژوهشگران، ناگویی هیجان یک ویژگی شخصیتی است که با وجود اختلال در توانایی افراد برای شناسایی و ابراز هیجان‌ات و درگیر تخیل شدن (مانند رویا پردازي و فانتزی سازی)، تفکر راجع به وضعیت درونی ذهنی و دشواری در تمایز میان هیجان‌ات و تهییج بدنی، مشخص می‌شود(تیلور و باگی، ۲۰۰۴). آسیب زایی اصلی ناگویی هیجانی در حوزه پردازش و تنظیم عواطف و هیجان‌ها آشکار می‌شود(استاسیوس^۵ و همکاران، ۲۰۱۲). افراد دارای ناگویی هیجانی، احساسات همراه با برانگیختگی هیجانی را تجربه می‌کنند ولی در درک آنها ناتوانند. در نتیجه این ناتوانی‌ها، افرادی که ناگویی هیجانی بالایی دارند سرد، سخت و بی تفاوت به مسائلی که بار هیجانی دارند به نظر می‌رسند و با اتفاقات کم‌اهمیت خارجی مشغول می‌شوند(هس، پاولی و فری-کاکس^۶، ۲۰۱۵). این افراد به جای تجارب روانشناختی و عاطفی بیشتر درگیر تجارب فیزیکی خود می‌شوند(پاناite و بیلسماس^۷، ۲۰۱۲). افراد دارای ناگویی هیجان به دلایل مختلف از جمله خصوصیات شخصیتی و مشکل در تنظیم هیجان به ویژه در موقعیت‌هایی که با تعارض مواجه می‌شوند، مستعد ابتلا به اختلال‌های تنظیم

1. Montebanocci, Codispoti, Baldaro, & Rossi

2. Sifneos

3. Taylor, Bagby, & Parker

4. Parker, Taylor, & Bagby

5. Stasiewicz

6. Hesse, Pauley, & Frye-Cox, 2015

7. Panaite & Bylsma

هیجان مانند اضطراب، افسردگی، وسواس و اعتماد به نفس پایین می باشند (گلاروس و لوملی^۱، ۲۰۰۵؛ هس و فلویڈ^۲، ۲۰۰۸؛ کاروکیوی^۳ و همکاران، ۲۰۱۰؛ بامونتی^۴ و همکاران، ۲۰۱۰؛ پیکاردی^۵ و همکاران، ۲۰۱۱). در حالیکه اثرات درون فردی ناگویی هیجانی مستند شده اند، پژوهشگران به بررسی این وضعیت بر ارتباطات بین فردی علاقمند هستند. یلسما و مارو^۶ (۲۰۰۳) ارتباط بین ناگویی هیجان و رضایت زناشویی را روی ۶۶ زوج بررسی کردند. نتایج حاکی از این بود که ابراز هیجانی پایین در هر کدام از زن یا شوهرها به گونه ای منفی رضایت زناشویی همسرش را تحت تأثیر قرار داد. این ارتباط توسط بسیاری از پژوهشها تأیید شده است. (یلسما و مارو، ۲۰۰۳؛ کولی^۷، ۲۰۰۶؛ هامفریز، وود و پارکر^۸، ۲۰۰۹). گوونسل، دیکسون، چانگ و دو^۹ (۲۰۱۷) نیز در پژوهشی نشان دادند که بین ناگویی هیجان و تعارضات زناشویی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. بر اساس نتایج پژوهشها دشواری در پردازش هیجانات بیانی چهره‌ای (مانند خشم، ترس، غم و...) و پردازش کند هیجانات منفی در دیگران (پرکاشین^{۱۰} و پرکاشین، ۲۰۰۹؛ ولز، رحمان و ساترلند^{۱۱}، ۲۰۱۶)، دشواری در ایجاد و حفظ روابط نزدیک (فاتحی زاده و احمد، ۲۰۰۵؛ هسه و فلویڈ، ۲۰۰۸)، مشکل در درک نقطه نظر دیگران و سرد به نظر رسیدن در تعاملات بین فردی (گرینبرگ، لومینت، کورنیل، گررز و برتوز^{۱۲}، ۲۰۱۰) و ایجاد حس تنهایی در شریک زندگی (فری-کاکس و هس^{۱۳}، ۲۰۱۳)، از جمله عوامل تأثیر گذار بر نارضایتی زناشویی افراد دارای ناگویی هیجانی می باشند. بنابراین پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا تعارضات زناشویی بر اساس ناگویی هیجانی پیش بینی می شود؟

روش بررسی

1. Glaros & Lumley
2. Hesse & Floyd
3. Karukivi
4. Bamonti
5. Picardi
6. Yelsma and Marrow
7. Cooley
8. Humphreys, Wood, & Parker
9. Guvensel, Dixon, Chang & Dew
10. Prkachin
11. Wells, Rehman, & Sutherland
12. Grynberg, Luminet, Corneille, Grèzes, & Berthoz
13. Frye-Cox and Hesse

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش را زنان متقاضی طلاق مراجعه کننده به دادگاه خانواده منطقه ۳ تهران در سال ۹۶ تشکیل دادند. ۱۰۰ نفر به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. در انتخاب این تعداد نمونه از فرمول کوکران استفاده شد.

از زنان متقاضی طلاق خواسته شد تا به سؤالات پرسشنامه ناگویی هیجان تورنتو و سازگاری زناشویی لاک و والاس پاسخ دهند. معیار ورود به مطالعه، رضایت افراد برای شرکت در پژوهش و معیار خروج، عدم رضایت برای شرکت در تحقیق بود.

مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو^۱

مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو یک آزمون ۲۰ سوالی است و سه زیرمقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی را شامل می‌شود. نمره‌گذاری پرسشنامه براساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است که از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق سنجیده و بررسی می‌شود. مقیاس دشواری در تشخیص احساسات (DIF) شناسایی احساساتش و تمایز میان احساسات با حسهای بدنی را ارزیابی می‌کند که شامل سؤالات ۱، ۳، ۶، ۷، ۹، ۱۳ و ۱۴ می‌باشد. مقیاس دشواری در توصیف احساسات (DDF) این خرده مقیاس توانایی شخص در بیان احساسات و اینکه آیا قادر است احساسات خودش را در قالب لغات بیان کند یا خیر، می‌سنجد که شامل سؤالات ۲، ۴، ۱۱، ۱۲ و ۱۷ می‌باشد. مقیاس تفکر با جهت‌گیری خارجی (EOT) این خرده مقیاس میزان درون‌نگری و عمیق شدن فرد در احساسات درونی خودش و دیگران را بررسی می‌کند که شامل سؤالات ۵، ۸، ۱۰، ۱۵، ۱۸ و ۲۰ می‌باشد. روش نمره‌گذاری به شیوه لیکرت است. به پاسخ کاملاً مخالف، نمره ۱ و به پاسخ کاملاً موافق نمره ۵ تعلق می‌گیرد. گویه‌های ۴، ۵، ۱۰، ۱۸ و ۱۹ نمره‌گذاری معکوس دارند. هرچه افراد نمراتشان در این خرده مقیاس‌ها بیشتر باشد نشان دهنده مشکل بیشتر در زمینه بیان و تشخیص احساسات می‌باشد. کسب نمره بین ۲۰ تا ۴۰ بیانگر مشکل کم فرد در زمینه بیان و تشخیص احساسات، نمره بین ۴۰ تا ۶۰ مشکل متوسط فرد در زمینه بیان و تشخیص احساسات و نمره بالاتر از ۶۰ مشکل زیاد فرد در زمینه بیان و تشخیص احساسات می‌باشد.

ویژگی‌های روانسنجی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو در پژوهش‌های متعدد بررسی و تأیید شده است. در نسخه فارسی این مقیاس ضرایب آلفای کرونباخ برای ناگویی هیجانی کل ۰/۸۵ و سه زیر مقیاس

1. Toronto Alexithymia Scale

دشواری در شناسایی احساسات ۰/۸۲، دشواری در توصیف احساسات ۰/۷۵ و برای تفکر عینی ۰/۷۲ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس است. روایی همزمان مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو بر حسب همبستگی بین زیرمقیاس‌های این آزمون و مقیاس‌های هوش هیجانی، بهزیستی روانشناختی و درماندگی روانشناختی بررسی شد و مورد تأیید قرار گرفت. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره آزمودنی‌ها در مقیاس ناگویی هیجانی کل با هوش هیجانی ($r=0/80$, $p<0/001$) و بهزیستی روانشناختی ($r=0/78$, $p<0/001$) همبستگی معنادار وجود دارد (بشارت، ۱۳۸۶).

پرسش نامه سازگاری زناشویی لاک و والاس^۱

این مقیاس که در سال ۱۹۵۹ توسط لاک و والاس تهیه شده است، یک پرسشنامه خودگزارشی کوتاه بر پایه ادراک بین فردی از روابط زناشویی است که به منظور اندازه‌گیری کیفیت کنش وری ازدواج مورد بهره‌وری قرار می‌گیرد و حاوی ۱۵ ماده در ۳ بخش است. قسمت اول (سؤال ۱) مربوط به شادکامی است که روی یک مقیاس نمره‌گذاری ۷ درجه‌ای (از بسیار ناخرسند تا بسیار خرسند) نشان داده شده است، قسمت دوم (سؤال ۲ تا ۹) شامل مقیاس نقطه‌ای (همیشه توافق داریم تا همیشه اختلاف داریم) است و قسمت سوم (سؤال ۱۰ تا ۱۵) شامل سؤالات چند گزینه‌ای است (مظاهری، ۱۳۷۹). بنا به تعریف سازگاری زناشویی عبارت از برونسازگی زن و شوهر با یکدیگر در هر مقطعی از زمان است. آزمون سازگاری زناشویی در ادبیات روانشناختی به عنوان ابزار معتبر اندازه‌گیری رضایت از ازدواج و مقیاسی برای پیش بینی سازگاری زناشویی شناخته می‌شود (کلمن، ۱۹۷۵؛ سنائی، ۲۰۰۰). در این آزمون نمره ۱۰۰ و بالاتر نشان دهنده رضایت زناشویی و نمره پایین‌تر از ۱۰۰ نشان دهنده تنش در روابط زناشویی می‌باشد.

مطالعات مربوط به پایایی و روایی این آزمون مثبت بوده‌اند. اسپانیر^۲ (۱۹۷۶) ضریب همسانی درونی ۰/۹۶ و اعتبار ملاکی بالایی را برای این مقیاس گزارش می‌کند. این ابزار برداشت‌های ذهنی مربوط به میزان رضایت را به دست می‌آورد. مزایای این مقیاس، سادگی اجرا، استواری بالا در طول زمان و هنجارهایی است که به درستی فراهم شده‌اند. برآورد همسانی درونی با استفاده از فرمول اسپیرمن - براون بسیار خوب و ضریب همبستگی بین دو نیمه آن برابر ۰/۹۰ بوده است. همچنین نمرات این آزمون با آزمون پیش بینی زناشویی لاک - والاس همبستگی بالایی دارد. این نتیجه، نشان دهنده روایی همزمان بالای آن است. (لاک و والاس، ۱۹۵۹ به نقل از مظاهری، ۱۳۷۹).

1. Locke-Wallace Short Marital-Adjustment Test
2. Spanie

یافته ها

در این پژوهش ۱۸/۶ درصد پاسخگویان دیپلم و فوق دیپلم، ۴۵/۱ درصد کارشناس و ۳۶/۳ درصد زوجین کارشناس ارشد هستند. بیشترین درصد سنی با ۴۲/۲ درصد مربوط به سنین بین ۳۱ تا ۳۵ سال و کمترین درصد با ۱۰/۸ درصد مربوط به زوجین زیر ۳۰ سال می باشد.

اطلاعات مندرج در جدول ۱، مربوط به نمره کل و مؤلفه های ناگویی هیجانی و نمره کل تعارضات زناشویی است. همانطور که مشاهده می شود میانگین و انحراف استاندارد نمره مؤلفه "دشواری در تشخیص احساسات" به ترتیب برابر با ۲۵/۱۶ و ۶/۲۸، مؤلفه "دشواری در توصیف احساسات" به ترتیب برابر با ۱۶/۶۵ و ۳/۳، مؤلفه "تفکر با جهت گیری خارجی" برابر ۲۳/۱۶ و ۴/۷۸ و میانگین و انحراف استاندارد نمره کل ناگویی هیجانی برابر با ۶۴/۹۹ و ۱۰/۳۹ می باشد. همچنین میانگین و انحراف استاندارد نمره کل تعارضات زناشویی به ترتیب برابر با ۵۲/۲۸ و ۷ بدست آمده است.

جدول ۱: شاخص های آماری میانگین و انحراف استاندارد نمره "نارسایی هیجانی" و مؤلفه های آن

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	کجی	کشیدگی
دشواری در تشخیص احساسات	۲۵/۱۶	۶/۲۸	۱۱	۳۹	-۰/۳۸	۰/۷۵
دشواری در توصیف احساسات	۱۶/۶۵	۳/۳	۷	۲۷	-۰/۱۱	۰/۳۸
تفکر با جهت گیری خارجی	۲۳/۱۶	۴/۷۸	۱۱	۳۲	-۰/۷۵	۰/۱۹

نمره کل نارسایی هیجان	۶۴/۹۹	۱۰/۳۹	۳۶	۸۳	۰/۹۹	۰/۴۶
تعارضات زناشویی	۵۲/۲۸	۷	۳۷	۷۷	۰/۲۵	۰/۸

اطلاعات مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد که همبستگی بین تعارضات زناشویی و نارسایی هیجانی ۰/۴۶۷ است همچنین ۲۱۸ درصد واریانس تعارضات زناشویی توسط نارسایی هیجانی تبیین می‌گردد.

جدول ۲: شاخص‌ها و آمارهای تحلیل رگرسیون

ضریب r ^۲ همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی اصلاح شده	خطای معیار
۰/۴۶۷	۰/۲۱۸	۰/۲۱	۶/۲۳

نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که بین تعارضات زناشویی و نارسایی هیجانی ارتباط معکوس و معناداری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. به عبارتی هر چه نارسایی هیجانی افزایش یابد تعارضات زناشویی کاهش خواهد یافت. بنابراین نتایج نشان می‌دهد که نارسایی هیجانی می‌تواند تعارضات زناشویی را مورد پیش بینی قرار دهند. نارسایی هیجانی (۰/۳۱۵) - مقدار ثابت (۷۲/۷۷) = تعارضات زناشویی

جدول ۳. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون

شاخص آماری منبع	ضریب رگرسیون	خطای معیار	ضریب استاندارد رگرسیون	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	۷۲/۷۷	۳/۹۲	-	۱۸/۵	۰/۰۰۱
نارسایی هیجانی	-۰/۳۱۵	۰/۰۶۵	-۰/۴۶۷	۵/۲	۰/۰۰۱

بحث و نتیجه گیری

هدف از مطالعه حاضر بررسی همبستگی میان ناگویی هیجان و سازگاری زناشویی در بین زنان متقاضی طلاق مراجعه کننده به دادگاه طلاق خانواده منطقه ۳ تهران بود. بررسی نتایج همبستگی نشان داد که بین تعارضات زناشویی و نارسایی هیجانی ارتباط معکوس و معناداری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. به عبارتی هر چه نمره نارسایی

هیجانی افزایش یابد، نمره تعارضات زناشویی کاهش یا به عبارتی تعارضات زناشویی افزایش خواهد یافت. بنابراین نتایج نشان داد که نارسایی هیجانی توانست سازگاری زناشویی را مورد پیش بینی قرار دهد. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش همسو با پژوهش‌های صداقتی فرد و ابراهیمی (۱۳۹۵)، خواجه و خصری مقدم (۱۳۹۵)، رجیبی و همکاران (۱۳۹۴)، هولدر^۱ و همکاران (۲۰۱۵)، هوگلند و لوانت^۲ (۲۰۱۵)، یونتاس و کولک^۳ (۲۰۱۵)، فرای کوكس و هسه^۴ (۲۰۱۴)، گوونسل، دیکسون، چانگ و دو^۵ (۲۰۱۷)، کاراکیس و لوانت^۶ (۲۰۱۲) بود. صداقتی فرد و ابراهیمی (۱۳۹۵) در پژوهش خود نشان دادند که ناگویی خلقی پیش بینی کننده‌ی معنادار دلزدگی زناشویی است. نتایج پژوهش خواجه و خصری مقدم (۱۳۹۵) بیانگر اهمیت ناگویی هیجانی در پیش بینی رضایت زناشویی بود. رجیبی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند که مهارت‌مندی هیجانی نقش عمده‌ای در وضعیت رضایت و سازگاری زناشویی از طریق تأثیر بر سطح صمیمیت در روابط زناشویی دارد. هولدر و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود نشان دادند ناگویی هیجانی همبستگی منفی با کیفیت رابطه رومان‌تیک و تعهد، داستان عاشقانه، اعتماد، رضایت و عشق در روابط رومان‌تیک دارد. نتایج پژوهش هوگلند و لوانت (۲۰۱۵) نشان داد امتیازات کسب شده از مقیاس ناگویی هیجانی مردانه هنجاری، همبستگی منفی و معناداری با امتیازهای پرسشنامه رضایت زناشویی دارد. نتایج پژوهش یونتاس و کولک (۲۰۱۵) نشان دهنده این امر بود که ناگویی هیجانی بیشتر در زوجین با ناسازگاری زناشویی بیشتر مرتبط است. فرای کوكس و هسه (۲۰۱۳) نشان دادند که در هر دو زوج، تنهایی و ارتباط نزدیک نقش واسطه‌ای کاملی در ارتباط بین ناگویی هیجانی و کیفیت ازدواج داشتند. پژوهش گوونسل، دیکسون، چانگ و دو (۲۰۱۷) نیز نشان داد بین ناگویی هیجان و تعارضات زناشویی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. همچنین کاراکیس و لوانت (۲۰۱۲) گروهی متشکل از ۱۷۵ مرد را در روابط عاشقانه برای رضایت از رابطه و کیفیت ارتباط و ترس از صمیمیت بررسی کردند. نتایج نشان داد که ناگویی هیجانی به طور معکوس با کیفیت ارتباط و رضایت از رابطه همبستگی دارد و همچنین به طور مثبت با ترس از رابطه به طور مثبت همبستگی دارد.

در تبیین رابطه بین ناگویی هیجانی و تعارضات زناشویی می‌توان گفت ناتوانی در پردازش شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجانات (تیلور^۷، ۲۰۰۰؛ حشمتی، قربانی، رستمی و احمدی، ۲۰۱۰؛ کوئیلیتی^۸ و همکاران، ۲۰۱۷)، توانایی کم تجربه احساسات مثبت مانند شادی (مکوندی^۹، ۲۰۱۰)، دشواری در فهم بیان چهره‌ای (پارکر^{۱۰} و

1. Holder
2. Hoagland & Levant
3. Untas & Koleck
4. Frye-Cox. & Hesse
5. Guvensel, Dixon, Chang & Dew
6. Karakis and Levant
7. Taylor
8. Quilty
9. Makondi
10. Parker

همکاران، ۱۹۹۳) و ظرفیت کمتر برای همدلی (گاتمن، ۲۰۰۲) در این افراد سبب بی‌تفاوتی و بی‌علاقگی نسبت به دیگران (ون هول^۲ و همکاران، ۲۰۰۶) شده و به مشکلات بین فردی متعددی منجر می‌شود. توانایی ایجاد و حفظ یک رابطه‌ی عاشقانه‌ی رضایت‌بخش نیازمند توانایی تشخیص عواطف و هیجان‌ها و توانایی ابراز آنها و توانایی فهمیدن و درک کردن احساسات دیگران است (واچز،^۳ ۲۰۰۷). افراد دارای ناگویی هیجانی در بیان نیازهایشان به دیگران مشکل داشته و فاقد توانایی مقابله با چالش‌های بین فردی در موقعیت‌های اجتماعی می‌باشند (بشارت، ۱۳۸۹). همچنین بر اساس پژوهش‌ها این افراد از صمیمیت اجتناب کرده و نیازی قوی برای مستقل بودن دارند که باعث به وجود آمدن تردید و سوءتفاهم در دیگر افراد می‌شود (سالیوان، کامیک، براون، ۲۰۱۵). به طور کلی می‌توان گفت توانمندی هیجانی، روبرو شدن افراد با چالش‌های زندگی را آسان‌تر کرده و سطح سلامت روانی آنها را بهبود می‌بخشد. افراد دارای ناتوانی تشخیص، شناسایی و ابراز هیجان‌ها، قادر به ایجاد و حفظ روابط مفید و مؤثر با دیگران نبوده و در نتیجه کاهش تعامل اجتماعی و عدم رضایت از کیفیت و کمیت روابط، بخصوص روابط زناشویی را تجربه می‌کنند.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به شیوه جمع‌آوری مطالب مبتنی بر پرسشنامه و بعضاً بی‌علاقگی و بی‌انگیزگی آزمودنی‌ها به پاسخ دادن به سؤالات و یا تلاش برای خوب جلوه دادن خود اشاره نمود. این پژوهش محدود به زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به دادگاه طلاق خانواده منطقه ۳ تهران در سال ۹۶ بود و تعمیم نتایج آن به سایر گروه‌ها باید با احتیاط صورت پذیرد. در این پژوهش کنترل متغیرهایی مانند ویژگی‌های شخصیت، هوش و... وجود نداشت. همچنین به منظور اجرای پژوهش‌های بیشتر به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌گردد مطالعات مشابهی بر سایر افراد جامعه در جهت افزایش تعمیم‌پذیری نتایج و مقایسه آنها با یکدیگر صورت گیرد. همچنین پیشنهاد می‌گردد به منظور مطالعه جامع‌تر، بررسی مقایسه‌ای تعارضات زناشویی در دو جنسیت متفاوت انجام شود.

- Ahmadi, S., & Fatehizadeh, M. (2016). The Effect of Paired Therapy on Short-Term Relationship between Couples' Communication Patterns. *Quarterly Journal of Family Studies*, 105-117.

- Bamonti, P., Heisel, M., Topciu, R., Franus, N., Talbot, N., & Duberstein, P. (2010). Association of alexithymia and depression symptom severity in adults aged 50 years and older. *The American Journal of Geriatric Psychiatry*, 51-56.

1. Gattman
2. Vanheule
3. Wachs

- Besharat, M., & Ganji, P. (2013). The moderating role of attachment styles on the relationship of alexithymia with marital satisfaction. **Journal of Fundamentals of Mental Health**, 324-335.[In Persian]
- Farahbakhsh, Q., Shafiabadi, A., Ahmadi, S., & Delavar, A. (2006). Comparison of the Effectiveness of Ellis Cognitive Marital Counseling, Glaser Therapeutic Reality and Blend of It in Reducing Marital Conflict. **Journal of Counseling Research**, 33-58.[In Persian]
- Fatehi Zadeh, M., & Ahmad, A. (2005). Examine the relationship between communication patterns and marital satisfaction working in university. **The Journal of Family Practice**.
- Frye-Cox, N., & Hesse, C. (2013). Alexithymia and marital quality: The mediating roles of loneliness and intimate communication. **Journal of Family Psychology**, 203–211.
- Glaros, A., & Lumley, M. (2005). Alexithymia and pain in temporomandibular disorder. **Journal of Psychosomatic Research**, 85-88.
- Grynberg, D., Luminet, O., Corneille, O., Grèzes, J., & Berthoz, S. (2010). Alexithymia in the interpersonal domain: A general deficit of empathy? **Personality and Individual Differences**, 845-850.
- Guttman H, Laporte L. (2002). Alexithymia, empathy, and psychological symptoms in a family context. **Comprehensive Psychiatry**; 43: 448-55.
- Guvensel, K., Dixon, A., Chang, C., & Dew, B. (2017). The Relationship Among Gender Role Conflict, Normative Male Alexithymia, Men's Friendship Discords With Other Men, and Psychological Well-Being. **Journal of Men's Studies**, 1-21.
- Hesse, C., & Floyd, K. (2008). Affectionate experience mediates the effects of alexithymia on mental health and interpersonal relationships. **Journal of Social and Personal Relationships**, 793-810.
- Hesse, C., Pauley, P., & Frye-Cox, N. (2015). Alexithymia and Marital Quality: The Mediating Role of Relationship Maintenance Behaviors. **Western Journal of Communication**, 45–72.
- Heshmati R. Ghorbani N. Rostami R. Ahmadi M. Akhavand V. Comparative study of alexithymia in patient with psychotic disorders, on

psychotic and normal people. **AVICENNA JOURNAL OF CLINICAL MEDICINE**. 2010; 17(1):56-61

- Hoagland , Deanna L.; Levant, Ronald F. (2015). **Social Class as a Moderator of the Relationship between Normative Male Alexithymia and Relationship Satisfaction, University of Akron: Ohio's Polytechnic University**, Honors Research Projects The Dr. Gary B. and Pamela S. Williams HonorsCollege, Spring 2015

- Holder, Mark D; love, Ashley B; Timoney, Linden R.(2015)The poor subjective well- being associated with alexithymia is mediated by romantic relationships, **Journal of Happiness Studies**, 16: 117-133.

- Humphreys, T., Wood, L., & Parker, J. (2009). Alexithymia and satisfaction in intimate relationships. **Personality and Individual Differences**, 43-47.

- Karakis, E., & Levant, R. (2012). Is Normative Male Alexithymia Associated with Relationship Satisfaction, Fear of Intimacy and Communication Quality among Men in Relationships? **The Journal of Men's Studies**, 179-186.

- Karukivi, M., Hautala, L., Kaleva, O., Haapasalo-Pesu, K., Liuksila, P., Joukamaa, M., & Saarijarvi, S. (2010). Alexithymia is associated with anxiety among adolescents. **Journal of Affective Disorders**, 1-5.

- Kathryn, D. (2005). **Accomplishing romantic relationship**. In Handbook of communication and social interaction skills (pp. 685-690). Lawrence Erlbaum Associates.

- Khaje, F., & Khezri-Moghadam, N. (2016). THE RELATIONSHIPS BETWEEN ALEXITHYMIA AND INTERPERSONAL PROBLEMS WITH MARITAL SATISFACTION IN MARRIED FEMALE NURSES OF THE PUBLIC HOSPITALS IN KERMAN CITY. **Journal of Urmia Nursing And Midwifery Faculty**, 630-638.[In Persian]

- Khosravi, T., Ghahari, S., & Ahadi, F. (2015). Relationship between Attachment Style and Alexithymia With Marital Dissatisfaction. **Middle East J Rehabil Health**, 1-6.

-
- Litzinger, S., & Kristina, C. (2005). Exploring Relationships Among Communication, Sexual Satisfaction, and Marital Satisfaction. **Journal of Sex & Marital Therapy**, 409-424.
 - Mahmoodian, H., Sharafi, M., Khoshbin, s., & Ahmadi, A. (1998). **Knowledge of the Family**. Tehran: SAMT.[In Persian]
 - Makondi, B. (2010). By comparison, alexithymia male and female students. **The Journal of Psychology**.
 - Markman, H., & Halford, W. (2005). International Perspectives on Couple Relationship. **Family Process**, 139-146.
 - Mazaheri, M. (2000). The role of adults' attachment in marriage. **Journal of psychology**, 286-318.[In Persian]
 - Montebrocchi, O., Codispoti, M., Baldaro, B., & Rossi, N. (2004). **Adult attachment style and alexithymia**. *Pers Individ Dif*, 499–507.
 - Nemiah, J., Freyberger, H., & Sifneos, P. (1976). Alexithymia: A view of the psychosomatic process. **Modern trends in psychosomatic medicine**, 430-439.
 - Panaite, V., & Bylsma, L. (2012). **Alexithymia**. **Encyclopedia of Human Behavior**. New York: Academic Press.
 - Parker, J., Taylor, G., & Bagby, R. (2001). The relationship between emotional intelligence and alexithymia. **Personality and Individual**, 107-115.
 - Picardi, A., Picardi, C., Gigantesco, A., Toccaceli, V., Lega, I., & Stazi, M. (2011). Genetic influences on alexithymia and their relationship with depressive symptoms². **Journal of Psychosomatic Research**, 256-263.
 - Prkachin, G., & Prkachin, K. (2009). Alexithymia and perception of facial expressions of emotion. **Personality and Individual Differences**, 412-417.
 - Quilty, L., Taylor,, G., McBride, C., & Bagby, R. (2017). Relationships among alexithymia, therapeutic alliance, and psychotherapy outcome in major depressive disorder. **Psychiatry Research**, 75-79.

- Rajabi, G., Hayat Bakhsh, L., & Taghipour, m. (2016). Structural Modeling Relationship between Emotional Skills, Intentiveness, Satisfaction and Marital adjustment. **Journal of counseling and family psychotherapy** , 67-91.[In Persian]

- Rogge , R., & Bradbury , T. (1999). Till violence does us part: The differing roles of communication and aggression in predicting adverse marital outcomes. **Journal of Consulting and Clinical Psychology**, 340-351.

- Besharat, M., & Ganji, P. (2013). The moderating role of attachment styles on the relationship of alexithymia with marital satisfaction. **Journal of Fundamentals of Mental Health**, 324-335.

- Farahbakhsh, Q., Shafiabadi, A., Ahmadi, S., & Delavar, A. (2006). Comparison of the Effectiveness of Ellis Cognitive Marital Counseling, Glaser Therapeutic Reality and Blend of It in Reducing Marital Conflict. **Journal of Counseling Research**, 33-58.

- Khaje, F., & Khezri-Moghadam, N. (2016). THE RELATIONSHIPS BETWEEN ALEXITHYMIA AND INTERPERSONAL PROBLEMS WITH MARITAL SATISFACTION IN MARRIED FEMALE NURSES OF THE PUBLIC HOSPITALS IN KERMAN CITY. **Journal of Urmia Nursing And Midwifery Faculty**, 630-638.

- Mahmoodian, H., Sharafi, M., Khoshbin, s., & Ahmadi, A. (1998). **Knowledge of the Family**. Tehran: SAMT.

- Mazaheri, M. (2000). The role of adults' attachment in marriage. **Journal of psychology**, 286-318.

- Pirsaghi, F., Nazari, A., Naiem, G., & Shafaie, M. (2015). Marital Conflicts: The Role Of Defense Styles And Emotional Schemas. **Iranian Journal of Psychiatric Nursing**, 59-69.

- Rajabi, G., Hayat Bakhsh, L., & Taghipour, m. (2016). Structural Modeling Relationship between Emotional Skills, Intentiveness, Satisfaction and Marital adjustment. **Journal of counseling and family psychotherapy** , 67-91.

- Sedaghati Fard, M., & Ebrahimi, M. (2016). The Relationship between Relationship Beliefs and Alexithymia with Couple Burnout Women referred

to health centers of Varamin city. **Journal of Analitical-Cognitive Psychology**, 9-20.[In Persian]

- Shahverdi, J., Rezaei, M., Ayazi Roozbehani, M., Sadeghi, K., Bakhtiyari, M., & Shahverdi, M. (2015). The Relationship between General Health and Happiness, Feelings of Humiliation and Marital Conflicts in Infertile Women in Boroujerd. **Journal of Nursing and Midwifery Faculty, Shaheed Beheshti University of Medical Sciences**, 31-54.

- Siffert, A., & Schwarz, B. (2010). Spouses' demand and Withdrawal during Marital Conflict in Relation to Their Subjective Well-Being. **Journal of Social and Personal Relationships**, 262-277.

- Stasiewicz, P., Bradizza, C., Gudleski, G., Coffey, S., Schlauch, R., Bailey, S., & Gulliver, S. (2012). The relationship of alexithymia to emotional dysregulation within an alcohol dependent treatment sample. **Addictive Behaviors**, 469-476.

- Sullivan, L., Camic, P., & Brown, J. (2015). Masculinity, alexithymia, and fear of intimacy as predictors of UK men's attitudes towards seeking professional psychological help. **Journal of Health Psychology**, 194-211.

- Syadpvr, Z. (2005). Attachment styles and marital satisfaction. **Psychological Studies**, :141-59.

- Taylor, G. (2000). Recent developments in alexithymia theory and research. **The Canadian Journal of Psychiatry**, 134-142.

- Untas, Aurélie ; Koleck, Michèle (2015)Is Alexithymia Associated With Dyadic Coping in Couples? **The American Journal of Family Therapy**, Volume 43

- Vanheule S, Desmet M, Rosseel Y, Verhaeghe P, Meganck R.(2006). Relationship patterns in alexithymia: A study using the core conflictual relationship theme method. **Psychopathology**; 40: 14-21.

- Vanheule, S., Desmet, M., Meganck, R., & Bogaerts, S. (2007). Alexithymia and interpersonal problems. **Journal of Clinical Psychology**, 109-117.

- Wachs K, Cordova JV.(2007). Mindful relating: Exploring mindfulness and emotion repertoires in intimate relationships. **Journal of Marital and Family Therapy**; 33: 464-81.

- Wearden, A., Cook, L., & Vaughan-Jones, J. (2003). Adult attachment, alexithymia, symptom reporting and health-related coping. **Journal of Psychosomatic Research**, 341-327.

- Wells, R., Rehman, U., & Sutherland, S. (2016). Alexithymia and social support in romantic relationships. **Personality and Individual Differences**, 371-376.

- Yelsma, P., & Marrow, S. (2003). An examination of couples' difficulties with emotional expressiveness and their marital satisfaction. **Journal of Family Communication**, 41-62.

- Zeinali, S. (2014). **Investigating the Relationship between the Gender and Rectangular**. The First National Conference. Social and Cultural.

- Zhaoyang, R., Martire, L., & Stanford, A. (2018). Disclosure and holding back: Communication, psychological adjustment, and marital satisfaction among couples coping with osteoarthritis. **Journal of Family Psychology**, 412-418.